

نام خانوادگی: پرادا



به ارث برد. شرکت محصولات چرمی که توسط پدر بزرگش تاسیس شده بود هنوز یک کسب و کار خانوادگی کوچک بود. اما در آن زمان پرادا با مردی ملاقات کرده بود که بعدتر همسرش شد و بعد از آن هم تبدیل به یکی از ستارگان دنیای محصولات چرم: پاتریزیو برتلی.

این زوج پروژه پیش رویشان را به چشم یک ماجراجویی بلندپروازانه دیدند: مرد مدیر بخش کسب و کار می‌شد و زن مدیر بخش خلاقیت. اینجا بود که ماجرای تغییر نام پیش آمد؛ او از خاله مجردش خواست که او را به فرزندی بپذیرد و بعد به صورت قانونی می‌توانست نام خانوادگی شناخته‌شده‌شان را از آن خود کند. زوج پرادا-برتلی کارشان را شروع کردند و یک دهه بعد پرادا نخستین خط تولید لباس‌های زنانه‌اش را راه انداخت.

خط تولیدی لباس‌های مردانه پرادا و شرکت زیرمجموعه پرادا یعنی میو میو هم در سال ۱۹۹۳ به این جمع افزوده شدند. اما در آن سنین جوانی و با آن سابقه سیاسی و اجتماعی که زن جوان از خودش به جا گذاشته بود، پیوستن به کسب و کار خانوادگی و ورود به صنعت مد خیلی هم از نظر شخصی کار راحتی نبود. آن هوادار چپ‌ها که حالا در شمار میلیاردرهای دنیا قرار دارد می‌گوید «وقتی که جوان بودم شرمند بودم؛ اینکه چپ و فمینیست باشی و کار فشن انجام بدهی سبب شده بود حس بسیار وحشتناکی داشته باشم و خیلی خجالت‌زده باشم» اما دست خودش نبود.

کنجکاوی و عشقش به هنر و فرهنگ و البته دنیای مد قوی‌تر از حس‌های ناخوشایند شخصی از آب درآمد. در آن روزها گاهی می‌شد که سه بار در روز به سینما می‌رفت، زمانی بود که می‌توانست تماشاگر بهترین محصولات

سینمای در حال شکوفایی ایتالیای دهه ۶۰ باشد: آنتونیونی، فلینی، برتولوچی، ویسکونتی و...

کشید، کار حرف‌ها یاش با آموزش در تئاتر بیکولو و هنرهای نمایشی آغاز شد. در اوایل دهه ۷۰ در کنار تئاتر فعالیت‌های اجتماعی‌اش را هم ادامه می‌داد؛ او عضو حزب کمونیست ایتالیا بود و در جنبش حقوق زنان این کشور که در دهه ۷۰ قوت گرفته بود هم شرکت می‌کرد.

سال ۱۹۷۸ دیگر زمانش رسید که وارد کسب و کار خانوادگی شود؛ شرکتی که به خاطر تولید کیف‌های چرمی‌اش شناخته شده بود. آنچه در ادامه می‌خوانید نگاهی به زندگی و حرفه او است؛ بخش عمده این مطلب در مورد برداشت و ترجمه‌ای است از گزارش مفصل نشریه ونیتی فر در مورد یکی از زنان نامدار صنعت مد و طراحی.

پرادا (زمانی که هنوز با نام ماریا بیانچی شناخته می‌شد) نخستین محصولش (کیف) را برای فروشگاه‌های خانوادگی‌شان طراحی کرد. سال ۱۹۷۸ او سهم کسب و کار خانوادگی را از مادرش

میوچا پرادا (MIUCCIA PRADA) از مدیرعاملان شرکت سرشناس مد و پوشاک پرادا است. او و همسرش پاتریزیو برتلی، دو مدیرعامل شرکت هستند و میوچا ریاست بخش طراحی را بر عهده دارد. او با ۵/۷۶ میلیارد دلار ثروت در رده ۵۰۰ فهرست بلومبرگ قرار دارد.

نامی که او با آن به دنیا آمد ماریا بیانچی بود. پرادا نام خانوادگی سمت مادری‌اش بود که بعدتر و زمانی که تصمیم گرفت مسیر زندگی‌اش را به سمت این نام پیش ببرد، آن را تغییر داد. کار و برند پرادا توسط پدر بزرگش ماریو پرادا در سال ۱۹۱۳ بنیان گذاشته شده بود اما قرار بود که این زن جوان پرشر و شور که در زمان جوانی مدام در عالم سیاست سیر می‌کرد، سبب شکوفایی بی‌نظیر آن شود.

دختر اهل میلان درس خواند و درس خواند تا عاقبت دکترای علوم سیاسی‌اش را از دانشگاه میلان گرفت. اما از همان ابتدا هنر او را به سمت خودش



با او تطابق دهد.» این دو، دوستانی قدیمی هستند که سال ۱۹۹۶ برای نخستین بار ملاقات کردند؛ در آن زمان پرادا مشغول طراحی یک کت و شلوار آبی سیر بود تا **لئوناردو دی کاپریو** «رومئو و ژولیت» در فیلم به تن کند.

دوستی و همکاری آنها ادامه دار شد و بعدها در سال ۲۰۱۳ هم پرادا و لورمان بر سر در فیلم «گتسی بزرگ» همکاری کردند. **دین دیهان**، مدل و بازیگر که از سال ۲۰۱۳ به بعد در کمپین‌های تبلیغاتی برند پرادا حضور داشته است هم حرف لورمان را تایید می‌کند «مهارت میوچا این است که نه برای آنچه در حال حاضر طرفدار است، بلکه برای چیزی برنامه‌ریزی می‌کند که شاید چند سال بعدتر پرهوادار می‌شود.»

نزدیک به پایان مصاحبه از او می‌پرسم که برای رهایی از استرس کار، از استرس طراحی و تلاش‌های هنری، مهمانی‌ها، مراسم عرضه محصولات و غیره چه می‌کند؟ با تعجب می‌پرسد «استرس؟» و بعد می‌گوید: من کارم را دوست دارم. تنها مشکل این است که باید به اندازه کافی ایده عالی داشته باشی که بتوانی جهان را برای خودت ترجمه کنی، طرز فکر پیشرو را حفظ کنی، یک چیز جدید و جالب خلق کنی و بتوانی قدم بعد را برداری.» اما مداوم بودن همه این فشارها و کارها چطور؟ این همه فعالیت بر اساس تقویم فشن و تعهدات رسانه‌ای و سفر؟ او کمی فکر می‌کند و می‌گوید «من واقعا از جت‌لگ متنفرم اما خب هربار جای تازه می‌روی، چیز تازه‌ای هم یاد می‌گیری.»

منبع: آینده‌نگر

هنوز در همان ویلای شهر میلان که در آن به دنیا آمده بود زندگی می‌کند. اما وقتی از او می‌پرسم که آیا حفظ شهرت خانوادگی‌شان برایش اهمیت دارد یا نه اوشانه بالا می‌اندازد و می‌گوید «نه خیلی!»

به این شرکت به چشم پروژه پرشوری نگاه می‌کند که او و همسرش پیش برده‌اند و چندان نگران این نیست که آیا پرسرش هم یک روز قرار است کار را در دست بگیرد یا نه «قرار است ببیند از این کار خوشش می‌آید یا نه»

پرادا در اغلب موقعیت‌های حرفه‌ای‌اش دست به تصمیمات و اقداماتی زده که برخی با چشم «پیش‌تازانه» به آنها نگاه می‌کنند، برخی نامعمول و حتی پرخطر.

از تصمیماتی که او در حوزه خلاقیت گرفت می‌توان به مجموعه به‌یادماندنی او در سال ۱۹۸۰ اشاره کرد که در برخی از محصولاتش به جای ابریشم یا چرم از نایلون صنعتی استفاده کرد و البته این تصمیمات نه تنها در بخش طراحی لباس و پوشاک و مد، که در استراتژی‌های تجاری او هم دیده می‌شود. به عنوان مثال در سال‌های بعد از ۱۱ سپتامبر که باقی شرکت‌ها سعی داشتند مخارجشان را جمع و جور کنند و به سمت جنوب منهن بگریزند، پرادا بر همان برنامه قبلی که داشت پایبند ماند و ۵۰ میلیون دلار خرج ساختمان شاخصشان در نیویورک کرد، ساختمانی که توسط **رم کولهاس** طراحی شده و در ساختمان قدیمی گوگنهایم در محله سوهو قرار دارد و آخرین روزهای سال ۲۰۰۱ هم افتتاح شد.

باز لورمان، فیلم‌ساز در مورد او می‌گوید: «او اغلب از موج جلوتر است و بعد موج است که باید خودش را

همچنین شیفته تئاتر بود و همین شد که اوایل حرفه‌اش را به آن سمت سوق داد اما نام پرادا و موقعیتی که پیش روی او و همسرش قرار داشت بزرگتر از آن بود که بتوان از آن گذشت و البته فرصتی فراهم برای تجربه طراحی و هنر در صنعتی که دست کمی از صنعت سینما ندارد.

پاتریزیو برتلی، همسر و همکار پرادا، زاده سال ۱۹۴۶ در توسکان ایتالیا است. خانواده او نسل در نسل در کارهای حقوقی مهارت داشتند، او خیلی زود مسیر این مهارت و پشتوانه خانوادگی را در صنعت کالاهای چرمی دنبال کرد. وقتی ۲۱ ساله بود و دانشجوی دانشگاه، یک شرکت کوچک تولید چرم با نام **سِر رابرت** پایه‌گذاری کرد که تبدیل به پایه و اساس حرفه آینده‌اش در این صنعت شد. اگر آن شرکت کوچک نبود هم با همسر و همکار آینده‌اش آشنا نمی‌شد. با همین آشنایی بود که اول رابطه کاری آنها در دنیای کوچکشان در حوزه صنعت چرم آغاز شد، به دوستی و ازدواج انجامید و بعد همین رابطه دونفره بود که توانست نام پرادا را از یک صنعت چرم خانوادگی در ایتالیا تبدیل به یکی از مهمترین و شناخته‌شده‌ترین برندها و شرکت‌های مد و فشن در کل دنیا کند.

یک قدم جلوتر

در ابتدای سال ۲۰۱۹ پسر بزرگتر این زوج، **لورنزو برتلی**، راننده حرفه‌ای مسابقات اتومبیلرانی در سمت مدیریتی به مجموعه پرادا افزوده شد؛ از آن زمان به بعد او مشغول ادغام حضور دیجیتال این برند و فروشگاه‌های فیزیکی آن بوده است. پرادا